

زکات پول از منظر فقه فریقین و بررسی ظرفیت بالقوه آن در فقرزدایی

(مطالعه سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ اقتصاد ایران)

احمد شعبانی*

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۹/۰۴

عبدالمحمد کاشیان**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۶

چکیده

در حالی که نص صریح روایات دلالت بر آن دارد که زکات برای رفع فقر وضع گردیده و نصاب آن به گونه‌ای است که برای رفع فقر کفایت می‌کند، تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که درآمد بالقوه زکات (بر اساس نظر مشهور فقهای شیعه) بسیار کمتر از آن است که بخواهد برای رفع فقر کفایت کند. برای پاسخ به این نوع تشکیک در کارایی زکات، فرضیه‌های متعددی مطرح گردیده است که این مقاله فرضیه‌ای جدید به آن‌ها می‌افزاید. فرضیه جدید دلالت بر آن دارد که «بر مبنای نظر برخی از فقها (و برخلاف قول مشهور)، مراد از نقدین در زکات موارد نه‌گانه، پولی است که مردم با آن مبادله انجام می‌دهند و لذا پول‌های امروزی مشمول زکات هستند؛ از این رو درآمد زکات به اندازه کافی بالا خواهد بود و برای رفع فقر کفایت می‌کند». این مقاله ضمن بیان آراء فقهای فریقین درباره زکات پول و نیز مبنا قرار دادن نظریه وجوب زکات پول، با استفاده از یک روش ابتکاری در تعیین مصداق نصاب و با استفاده از آمار سپرده‌های بانکی و میزان پول نقد، به برآورد ظرفیت بالقوه زکات پول در اقتصاد ایران می‌پردازد و میزان کارایی آن در رفع فقر را مورد آزمون قرار می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بر مبنای مانده سپرده‌های بانکی بخش خصوصی، میزان زکات بالقوه پول توانایی قابل توجهی در رفع فقر دارد و می‌تواند سطح مخارج دهک اول و دوم در نیازهای اساسی را به ترتیب به سطح زندگی دهک‌های دوم و سوم ارتقا دهد. ضمن اینکه نشان می‌دهد که زکات پول بر مبنای اسکناس و سکه در دست مردم توانایی چندانی ندارد. این تحقیق برای سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی

زکات، ظرفیت بالقوه، رفع فقر، پول، جمهوری اسلامی ایران

ashksadeq@yahoo.com

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)

** دانشجوی دکترای اقتصاد اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)
kashian@isu.ac.ir

مقدمه

اهمیت و جایگاه زکات به عنوان یکی از مهم‌ترین واجبات دینی بر کسی پوشیده نیست. این اهمیت زمانی دو چندان می‌شود که کار ویژه‌های اجتماعی زکات را برشماریم و نقشی را که اسلام برای آن در نظر گرفته است یادآور شویم. سیره رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) حاکی از آن است که در دوره حکومت ایشان، زکات اهمیت بسیار زیادی داشته و نقش قابل توجهی ایفا می‌کرده است. ضمن اینکه روایات موجود نیز کارویژه‌های قابل توجهی را برای زکات مطرح می‌کنند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها توانایی زکات برای رفع فقر است. نص صریح بسیاری از روایات دلالت بر آن دارد که زکات از جانب خدا عمدتاً برای رفع فقر وضع گردیده و نصاب آن به گونه‌ای است که برای رفع فقر کفایت می‌کند و این تأییدی بر اهمیت بسیار زیاد زکات و نقش اجتماعی آن است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۲).

در مقابل تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که درآمد حاصل از زکات (منحصر در موارد نه‌گانه) چه به صورت بالقوه و چه به صورت بالفعل بسیار ناچیزتر از آن است که بخواهد برای رفع فقر کفایت کند (کاشیان، ۱۳۸۹). مسئله‌ای که از آن با عنوان تشکیک در کارایی زکات با فرض انحصار در موارد نه‌گانه یاد می‌شود. بر این اساس سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا عدم کفایت درآمدهای حاصل از زکات موارد نه‌گانه با آنچه که در روایات آمده است (مبنی بر بسندگی زکات در رفع فقر) منافات ندارد؟ آیا با توجه به اهمیتی که اسلام برای زکات در نظر گرفته است و ظرفیت ناچیزی که امروز برای زکات برشمرده می‌شود، می‌توان انحصار زکات در موارد نه‌گانه را پذیرفت؟

برای پاسخ دادن به این سؤال فرضیه‌های مختلفی مطرح می‌شود که بخش دوم این مقاله پس از ارائه سابقه‌ای از تحقیقات پیشین، به بررسی این فرضیه‌ها می‌پردازد و آثار هر یک را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله فرضیه‌ای جدید به آن‌ها می‌افزاید. فرضیه جدید این است که «بر مبنای نظر برخی از فقها (و برخلاف قول مشهور)، مراد از نقدین در زکات، پولی است که مردم با آن مبادله انجام می‌دهند و لذا پول‌های امروزی مشمول زکات هستند؛ از این‌رو درآمد زکات به اندازه کافی بالا خواهد بود و

برای رفع فقر کفایت می‌کند». تمام تلاش این مقاله اثبات همین فرضیه است. بر همین اساس در بخش سوم از این مقاله به تبیین آرای فقهای شیعه و اهل سنت در باب زکات پول می‌پردازد و ادله موافقین و مخالفین را ارائه می‌نماید. در ادامه با فرض اینکه امکان تعمیم نقدین به پول‌های امروزی ممکن است، به محاسبه ظرفیت بالقوه زکات پول خواهیم پرداخت. در بخش بعدی با توجه به محاسبات صورت گرفته، میزان کارایی زکات در رفع فقر را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در آنجا ۴ سناریو در باب رفع فقر مطرح خواهیم کرد و نشان می‌دهیم که در هر یک از سناریوها توان بالفعل هر یک چقدر خواهد بود. نهایتاً به ارائه یک جمع بندی در باب نظریات ارائه شده و میزان تأثیر گذاری زکات بالقوه پول بر رفع فقر خواهیم پرداخت.

۱. سابقه پژوهش

لاجوردی (۱۳۷۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود «نقش زکات در نظام اقتصادی اسلام» به بیان کلیاتی درباره زکات و بررسی منابع و مصارف زکات و نقش حکومت اسلامی در مسئله زکات پرداخته است. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، وجود ثروت و مال، با گذشت زمان باعث ایجاد شکاف طبقاتی بین ثروتمندان و تهیدستان جامعه می‌شود و این شکاف طبقاتی، تمام مفاسد خانمان براندازی که منجر به تباهی جامعه می‌شود را به دنبال دارد.

عسکری (۱۳۸۲) در کتاب خود «تحلیل نظری زکات» به مقایسه تحلیلی آثار اقتصادی زکات و مالیه تورمی به تحلیل نظری و مقایسه این دو نوع مالیات می‌پردازد. علاوه بر این ایشان به بررسی انحصار زکات در موارد نه‌گانه می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که منابع زکات محدود به موارد نه‌گانه نیست و همه اموال را شامل می‌شود مگر آنکه دلیل خاصی برای تخصیص داشته باشیم نظیر محصولات فاسدشدنی، لکن حاکم حق می‌تواند در زمان‌های مختلف گروهی از اموال را مورد عفو قرار دهد چرا که زکات از آن اوست.

اسماعیل‌پور دره (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود «الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران»، افزایش بهره‌وری و کارایی و

اثر بخشی بهینه در حوزه‌های جمع‌آوری، اداره و توزیع زکات در ایران را مستلزم ایجاد مؤسسات مالی زکات در کشور دانسته است.

کاشیان (۱۳۸۹) به آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران می‌پردازد. ایشان ضمن تشریح کامل مسئله تشکیک در کارایی زکات با فرض انحصار زکات در موارد نه‌گانه، به محاسبه ظرفیت بالقوه زکات، زکات فطره و خمس در اقتصاد ایران پرداخته و در مرحله بعد به تبیین نظری حداقل معیشت در اسلام پرداخته و منابع لازم برای رفع فقر در جامعه ایران را برآورد می‌کند و در پایان نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر درآمدهای خمس و زکات آن قدر زیاد بوده‌اند که برای رفع فقر در جامعه کفایت می‌کرده است.

۲. تشکیک در کارایی زکات و ارائه فرضیه‌های پاسخگو

همان‌طور که در مقدمه نیز مطرح گردید، اسلام کارویژه‌های اجتماعی بسیار مهمی برای زکات تصور نموده است. قرآن کریم موارد مصرف زکات را این‌گونه تبیین می‌کند: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰). روایات بسیار زیادی در این باب وجود دارد که پرداختن به همه آن‌ها مقدور نیست. اما یکی از مجموعه روایاتی که اولاً مهمترین کارویژه زکات را رفع فقر بیان داشته و ثانیاً بر توانایی تاثیرگذاری آن صحه گذاشته است، روایتی است که عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «خداوند عزوجل زکات را بمانند نماز فرض و مقرر فرموده است، و از این رو اگر کسی زکات را حمل کند و آشکارا و بر ملا عطا نماید، باکی بر او نیست، و این بدان جهت است که خدای عز و جل مقدار تأمین نیازمندی‌های فقرا را در اموال اغنیا مقرر و مقرر نموده است. و اگر می‌دانست که آن مقدار مفروض و معین ایشان را کفایت نمی‌کند، هر آینه آن را برای ایشان می‌افزود، و هرگونه تنگدستی و صعوبت معیشتی که متوجه فقرا شود، از جهت خودداری اغنیا از پرداخت حقوق ایشان است، نه از جهت مقدار زکات و نارسایی آن» (صدوق، ۱۳۰۲ق.، ج ۲، ص ۳۰۲).

از این روایت و مجموع روایاتی که در این حوزه وارد شده است این طور برداشت می‌شود که اولاً کارویژه اصلی زکات رفع فقر است و ثانیاً زکات برای رفع فقر کفایت می‌کند و گرنه خداوند متعال بر مقدار آن می‌افزود.

در مقابل این آیات و روایات، تحقیقات تجربی دلالت بر آن دارد که ظرفیت بالقوه زکات با فرض انحصار در موارد نه‌گانه (نظریه مشهور در بین فقهای شیعه) بسیار ناچیز است و با آن کارویژه‌ای که اسلام برای آن تعریف کرده است، هیچ سنخیتی ندارد. مخصوصاً اینکه با گذشت زمان و حرکت به سمت دآمداری‌های صنعتی، میزان زکات انعام ثلاثه نیز به صفر می‌گراید و همچنین طبق نظر مشهور بر پول‌های امروزی زکاتی تعلق نمی‌گیرد و لذا زکات نقدین نیز صفر است (کاشیان، ۱۳۸۹). بر اساس محاسبات صورت گرفته در بهترین شرایط، ظرفیت بالقوه زکات برابر است با آماری که در جدول زیر ارائه شده است و تأییدی تجربی بر تشکیک در کارایی زکات محسوب می‌شود.

جدول ۱. ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران با ورود زکات نقدین (میلیارد تومان)

سال	زکات غلات اربعه	زکات انعام ثلاثه	زکات فطره	زکات نقدین (نظر مشهور)
۱۳۸۷	۸۷	۸۹	۷۴	۰
۱۳۸۸	۹۳	۱۲۲	۹۴	۰
۱۳۸۹	۱۰۹	۳۱۴	۹۵	۰

مأخذ: کاشیان، ۱۳۸۹

حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا عدم کفایت درآمدهای حاصل از زکات موارد نه‌گانه با آنچه که در روایات آمده است (مبنی بر بسندگی زکات در رفع فقر) منافات ندارد؟ مسئله‌ای که از آن به عنوان تشکیک در کارایی زکات یاد می‌شود. برای پاسخ دادن به این سؤال ممکن است فرضیه‌های مختلفی مطرح شود که هر یک از آنها را در ذیل بحث می‌کنیم.

۱-۲. فرضیه اول

زکات در موارد نه‌گانه برای رفع فقر کفایت نمی‌کند و لذا باید سراغ نظریه‌های غیر مشهور فقهای شیعه رفت و دایره مواردی که زکات بر آنها تعلق می‌گیرد را گسترش داد و بعد بسندگی آنها را برای رفع فقر آزمود. بسیاری از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که چون درآمد حاصل از زکات برای رفع فقر کفایت نمی‌کند، لازم است که نظریه تعمیم موارد زکات را مطرح نموده و از آن برای رفع این تعارض استفاده نماییم.

۲-۲. فرضیه دوم

زکات به معنای خاص در موارد نه‌گانه انحصار دارد و به معنای عام برای رفع فقر که همان هدف اصلی وضع زکات است کفایت می‌کند. طبق این فرضیه زکات یک معنای عام دارد و یک معنای خاص. زکات به معنای عام شامل خمس، زکات در موارد نه‌گانه، زکات فطره و کفارات است و آنچه در قرآن و برخی از روایات آمده است ناظر به همین معنا است. زکات به معنای خاص نیز فقط زکات در موارد نه‌گانه را شامل می‌شود. طبق این فرضیه آنچه که برای رفع فقر کفایت می‌کند زکات به معنای عام است و شامل خمس نیز می‌شود. تحقیقات تجربی در این باره نشان داده است که زکات و خمس در کنار هم برای رفع فقر کفایت می‌کنند (کاشیان، ۱۳۸۹).

۳-۲. فرضیه سوم

زکات منحصر در موارد نه‌گانه (انعام ثلاثه، غلات اربعه و نقدین) است و نیز مراد معنای خاص آن است، اما آنچه که از نقدین در کلام اهل بیت و به دنبال آن فقها آمده است شامل پول‌های رایج نیز می‌شود. طبق این فرضیه زکات منحصر در موارد نه‌گانه است اما نقدین شامل پول‌های رایج نیز می‌شود. این مسئله بر خلاف قول مشهور فقهای شیعه است که اعتقاد دارند نقدین باید اولاً مسکوک باشد و ثانیاً به عنوان سکه معاملی استفاده شود.

بر اساس آنچه که تاکنون مطرح گردید، در این مقاله به دنبال تاکید بر فرض سوم هستیم. ضمن اینکه به فتوای مشهور و غیر مشهور فقهای شیعه اشاره خواهیم کرد،

مسئله زکات پول و آرای فریقین را مطرح خواهیم نمود و در ادامه با پیش فرض گرفتن وجوب زکات بر پول‌های رایج، به برآورد ظرفیت بالقوه زکات پول خواهیم پرداخت و ظرفیت بالقوه آن و نیز تأثیری را که می‌تواند در رفع فقر ایفا کند تبیین خواهیم نمود.

۳. مروری بر آرای فقهای فریقین در باب زکات

۳-۱. دیدگاه مشهور در بین فقهای شیعه

مشهور فقیهان امامی، بلکه اکثریت آنان معتقدند زکات در نه چیز، واجب است و این نه چیز عبارت است از: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره. بزرگانی مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، محقق حلی، شهیدین و بیشتر فقهای متأخر و معاصر، این قول را اختیار کرده و برخی بر آن ادعای اجماع کرده‌اند (عسکری، ۱۳۸۴، ص ۲۲). شیخ صدوق در کتاب المقنع می‌گوید که زکات در نه چیز است: در گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره (صدوق، ۱۴۱۳ق.، صص ۴۸-۵۰). صاحب جواهر ذیل کلام محقق حلی در مورد وجوب زکات در اشیای نه‌گانه چنین می‌گوید که در این مورد، میان مسلمانان اختلافی نیافتیم، چه رسد به این که میان شیعیان امامیه اختلافی وجود داشته باشد؛ بلکه می‌توان گفت: این مطلب اگر از ضروریات دین نباشد، حداقل از ضروریات فقه است و احادیث متواتری در این باره و همچنین در مورد نفی وجوب زکات در غیر اشیای نه‌گانه وجود دارد (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۶۵).

۳-۲. دیدگاه غیر مشهور در بین فقهای شیعه

در میان فقیهان امامی تعداد معدودی، قول مشهور را نپذیرفته و به وجوب زکات در مواردی بجز اشیای نه‌گانه قائل شده و یا بنا بر احتیاط، ترک آن را در این اشیا جایز ندانسته‌اند. عده‌ای نیز انحصار زکات در موارد نه‌گانه را پذیرفته‌اند اما تفسیر دیگری از برخی از موارد مانند نقدین نموده‌اند. حال با توجه به اهمیت موضوع و تفاوتی که در گفته‌های این دسته از فقیهان وجود دارد، نظرات اینان را در پنج قول جداگانه بررسی می‌کنیم.

۳-۲-۱. اختصاص موارد نه‌گانه به صدر اسلام

و جوب زکات در موارد نه‌گانه مربوط به آغاز نبوت پیامبر(ص) است. این قول به یونس بن عبدالرحمن از راویان بزرگ شیعه و از اصحاب امام رضا(ع) نسبت داده شده است. بنا بر نقل مرحوم کلینی در کافی یونس بن عبدالرحمن در تبیین این حدیث که پیامبر(ص) زکات را در نه چیز قرار داد و سایر موارد را بخشید، می‌گوید: این مطلب مربوط به آغاز نبوت پیامبر(ص) بود؛ همان‌گونه که نماز در آغاز بعثت، ده رکعت، بود و سپس پیامبر(ص) هفت رکعت به آن افزود، زکات را نیز ابتدا در نه چیز واجب کرد و سپس آن را در همه حیوانات قرار داد (کلینی، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۵۰۹).

۳-۲-۲. وجوب زکات در مال التجاره

این قول به شیخ صدوق و پدرش نسبت داده شده است که قائل به وجوب زکات در مال التجاره بوده‌اند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۷۲). شیخ طوسی نیز در مبسوط می‌نویسد که بنا بر نظر اصحاب ما زکات در مال‌التجاره واجب نیست، لکن عده‌ای از آنان گفته‌اند در قیمت مال‌التجاره، زکات واجب است؛ لذا برای محاسبه با درهم و دینار قیمت گذاری می‌شود (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۱۶۳۵).

۳-۲-۳. قول ابن جنید اسکافی

علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه می‌گوید: ابن جنید معتقد است زکات از محصول زمین‌های عشیری از تمام چیزهایی که با قفیز پیمانه می‌شود، از قبیل گندم، جو، کنجد، برنج، ارزن، ذرت، عدس، سلت (جو پوست کنده) و سایر حیوانات، مثل خرما و کشمش گرفته می‌شود (حلی، ۱۴۱۵ق، ص ۷۰). ایشان در جای دیگر از این کتاب می‌نویسد: ابن جنید زکات را در عسل، زیتون، و روغنی که از زمین‌های عشیری به دست می‌آید، واجب می‌دانسته است (حلی، ۱۴۱۵ق، ص ۷۶).

۳-۲-۴. توسعه موارد وجوب زکات بنا بر صلاح‌دید حاکم اسلامی

بنابراین دیدگاه، موارد وجوب زکات به موارد نه‌گانه اختصاص ندارد، بلکه به دلیل تغییر و تحول در منابع و موارد ثروت و احتیاجات جوامع بشری در زمان‌ها و

مکان‌های مختلف، حاکم اسلامی می‌تواند به اقتضای مصلحت و نیاز جامعه اسلامی، موارد وجوب زکات را توسعه دهد. برخی از فقهای معاصر از جمله شهید سید محمد باقر صدر، مرحوم علامه محمد تقی جعفری و آیت اله منتظری، این نظریه را پذیرفته و یا آن را محتمل دانسته‌اند.

شهید صدر ضمن تقسیم احکام اسلام به احکام ثابت و متغیر، اقدام حضرت علی(ع) در گرفتن زکات از اسب را از مصادیق احکام متغیر می‌داند و می‌گوید: این عنصر متغیر در احکام اسلام، آشکار می‌سازد که زکات به عنوان یک نظریه اسلامی، به مال خاصی اختصاص ندارد، بلکه ولی امر مسلمین می‌تواند بر هر چه ضروری بداند، آن را انطباق دهد. آیت اله منتظری نیز در قالب یکی از راه‌های حل تعارض اخبار، این نظریه را به عنوان احتمال مطرح کرده است (منتظری، ۱۴۰۴ق.، ص ۱۶۷).

۳-۲-۵. وجوب زکات در پول‌های رایج

یکی دیگر از موارد توسعه زکات وجوب زکات در پول‌های رایج است که البته می‌تواند منافاتی با فتوای فقهای شیعه در انحصار زکات در موارد نه‌گانه نداشته باشد. چون بحث اصلی این مقاله زکات در پول‌های رایج است در قسمت بعد بیشتر بدان خواهیم پرداخت.

۳-۳. دیدگاه فقهای اهل سنت

اگر چه دیدگاه فقهای اهل سنت در خصوص موارد وجوب زکات، یکسان نیست، لکن اکثر آنان زکات را در بیشتر از اشیای نه‌گانه واجب دانسته‌اند. جزیری در الفقه علی المذاهب الاربعه می‌گوید زکات در پنج نوع از اشیا واجب است: اول، در چهار پایان که عبارتند از شتر، گاو و گوسفند و در غیر این حیواناتی که نام بردیم، زکات نیست؛ بنابراین در اسب، قاطر، الاغ، یوز، سگ تربیت شده و مانند این‌ها زکات نیست، مگر آنکه برای تجارت باشد. دوم، طلا و نقره؛ گر چه مسکوک هم نباشد. سوم، کالاهای تجارتي. چهارم، معدن و گنج. پنجم، زراعت و میوه‌ها و در غیر این پنج نوع زکاتی نیست (جزیری، ۱۳۰۶ق.، ج ۱، صص ۲۰۳ و ۲۳۰).

در عین حال گفته شده است که عده ای مانند حسن بصری، ابن سیرین، حسن بن صالح بن حی، ابن ابی لیلی و احمد بن حنبل در یکی از دو روایتش زکات را منحصر در اشیای نه‌گانه دانسته‌اند (جزیری، ۱۳۰۶ق.، ج ۱، صص ۲۰۳ و ۲۳۰).

برخی از علمای معاصر اهل سنت نیز تلاش کرده‌اند متعلقات زکات را با نیازها و مقتضیات زمان انطباق دهند و از این رو تعیین موارد وجوب آن را از اختیارات حاکم اسلامی دانسته‌اند و در بسیاری از منابع ثروت امروزی از قبیل املاک و مستغلات، وسایل نقلیه، حقوق کارگران و کارمندان و درآمد شغل‌های مختلف و... پرداخت زکات را واجب دانسته‌اند. در خصوص اسکناس و سکه‌های رایج نیز جمهور فقها (فقهای حنفی، مالکی و شافعی) زکات را در آن واجب می‌دانند، ولی پیروان مذهب حنبلی، زکات را در آن واجب ندانسته‌اند، جز آنکه عملاً به طلا و نقره تبدیل شود (الزحیلی، ۲۰۱۱م.، ج ۲، ص ۷۷۲).

با توجه به آنچه بیان گردید به عقیده اکثر فقهای شیعه زکات در موارد نه‌گانه واجب است و در غیر از آن مستحب است. با این وجود فقهای زیادی در شیعه وجود دارند که نظریه مشهور را نپذیرفته‌اند و موارد دیگری از جمله، پول، مال‌التجاره و امثال آن را مشمول زکات دانسته‌اند. در بین اهل سنت نیز اگر چه دیدگاه فقهای ایشان در خصوص موارد وجوب زکات، یکسان نیست، لکن اکثر آنان زکات را در بیشتر از اشیای نه‌گانه واجب دانسته‌اند. برخی در املاک و مستغلات، برخی در وسایل نقلیه و برخی در درآمد حاصل از شغل‌های مختلف را مشمول زکات دانسته‌اند. برخی از علمای معاصر اهل سنت نیز تلاش کرده‌اند متعلقات زکات را با نیازها و مقتضیات زمان انطباق دهند و از این رو تعیین موارد وجوب آن را از اختیارات حاکم اسلامی دانسته‌اند که این رویکرد در بین فقهای شیعه نیز طرفدار دارد.

۴. مسئله زکات پول

جمهور فقهای شیعه از متقدمین تا معاصرین قائل به وجوب زکات تنها در طلا و نقره با شرایط خاص هستند (عسکری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰). به عبارتی مشهور فقهای شیعه اعتقاد دارند که زکات بر طلا و نقره زمانی واجب است که اولاً این‌ها مسکوک باشند و

ثانیاً به عنوان سکه معاملی مورد استفاده مردم قرار گیرد. اما یکی از مسایل مستحدثه‌ای که امروز بیش از گذشته حایز اهمیت شده است این است که آیا به پول نیز زکات تعلق می‌گیرد یا نه؟ به عبارتی آیا می‌توان از طلا و نقره الغاء خصوصیت کرد و زکات را در پول‌های رایج واجب دانست؟ یا اینکه آیا از طریق روایات می‌توان به وجوب زکات پول پی برد؟ عده‌ای تصور می‌کنند که عدم وجوب زکات در پول‌های رایج فعلی، مورد اجماع و اتفاق نظر فقهای اسلام می‌باشد در حالی که مسئله وجوب زکات در پول‌های اعتباری، از مسائل نو پیدایی است که در زمان‌های گذشته و نیز در عصر امامان معصوم (ع) مطرح نبوده است و اساساً مردم در آن زمان، از چنین پول‌هایی تصور و شناختی نداشتند. از این رو، در کتب فقهی گذشتگان، این مسئله مورد بررسی قرار نگرفته است و نتیجه آن که، استناد به اجماع و اتفاق فقیهان در عدم وجوب زکات در پول‌های رایج، نادرست است (قائمی، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

برای اینکه این بحث را بهتر درک کنیم و ببینیم که اساساً امکان کشف حکم زکات پول وجود دارد یا خیر باید به سؤالات زیر پاسخ دهیم: اول اینکه آیا اساساً دلیلی بر انحصار وجوب زکات در امور نه‌گانه وجود دارد؟ و دوم اینکه بر فرض که نتوان به اشیای نه‌گانه، مواردی را افزود، آیا راه دیگری برای اثبات زکات در پول‌های رایج وجود دارد؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان ادعا کرد عناوین نه‌گانه شامل پول‌های رایج فعلی نیز می‌شود؟ (قائمی، ۱۳۸۴، ص ۱۶). در قسمت سوم از این نوشتار، به تبیین آرای فقهای شیعه در مورد زکات پرداختیم و نشان دادیم که هرچند نظریه‌هایی وجود دارد که قائل به تعمیم هستند، اما نظریه مشهور در بین فقهای شیعه منحصر بودن زکات در موارد نه‌گانه است. لذا با فرض انحصار زکات در موارد نه‌گانه، سراغ پاسخ به سؤال دوم خواهیم رفت.

۴-۱. آراء فقهای شیعه در باب زکات پول

قبلاً نظر مشهور در باب زکات پول بیان گردید. با این حال فقهایی در شیعه نظر مشهور را نپذیرفته‌اند و نظریات دیگری ارائه کرده‌اند. مرحوم شیخ محمدجواد مغنیه نیز در این باره می‌گوید همه یا اغلب فقهای معاصر از باب جمود بر ظاهر نصوص زکات پول‌های

طلا و نقره، معتقدند پول اگر از نوع کاغذ باشد (همانگونه که امروزه چنین است) زکات ندارد. ولی ما بر خلاف آنان، معتقدیم زکات شامل هر مال و پولی می‌گردد و نقدین در احادیث اهل بیت (ع) به عنوان «وسیله» مطرح است نه «هدف»؛ چرا که نقدین تنها پول رایج در آن زمان بوده‌اند. و این، از نوع قیاس باطل نیست؛ زیرا، از شرایط ماهوی قیاس باطل، ظنی (و نه یقینی) بودن علتی است که در آن اخذ شده است، در حالیکه ما به یقین می‌دانیم علت زکات درهم و دینار، در پول‌های کاغذی نیز وجود دارد. پس این علت، مانند علت منصوصه بوده و بلکه از آن نیز قوی‌تر است. بنابراین، حکم زکات از باب تنقیح مناط معلوم و قطعی است، نه از باب قیاس ظنی که فقهای امامیه بر بطلان آن اتفاق نظر دارند (مغنیه، ۴۰۴ق.، ج ۲، ص ۷۶).

آیت اله منتظری نیز پس از ذکر اقوال مختلف در این مسئله و بررسی ادله قائلان به وجوب می‌گوید: «بنا بر احتیاط، زکات در تمام اوراق مالی که به جای نقدین رایج شده، لازم است» (منتظری، ۴۰۴ق.، ص ۲۸۲). ایشان در کتاب الزکاة می‌گوید: در اینکه «آیا در اوراق مالی که امروزه بجای طلا و نقره بکار می‌روند مانند درهم و دینار و دلار تعلق می‌گیرد؟ دو وجه است: اول از این حیث که زکات تنها منحصر در ۹ چیز است از طریق اخبار مستفیض بلکه متواتر نقل شده است، پس تعلق نمی‌گیرد. دوم از این حیث که این اوراق در واقع حواله بر طلا و نقره است و طلا و نقره فی نفسه خصوصیتی در صدور حکم نداشته‌اند و اینکه موضوع در حقیقت نقد رایج بوده، لذا بر این‌ها نیز زکات تعلق می‌گیرد». دلایلی که منتظری در ادامه مطرح کرده است به شرح زیر است: ۱. برای اوراق مالی موضوعیت و قیمتی وجود ندارد، بلکه این‌ها حواله‌ای برای نقدین هستند و مالک آن‌ها در واقع مالک طلا و نقره است. ۲. الغاء خصوصیت، به بیان اینکه بر طلا و نقره از این حیث که نقد رایج بوده‌اند زکات تعلق گرفته و اشیاء به واسطه این دو فلز قیمت‌گذاری می‌شوند و مالیت پیدا می‌کنند، پس موضوع در حقیقت نقد رایج متعارفی است که قیمت سایر اشیاء قائم به آن است. ۳. عمومات و اطلاق اولیه که حاکم بر ثبوت زکات در کلیه اموال است مانند جمع مضاف در قول الهی «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»، موصول در قول الهی «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» و موصول در آیه «انْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ».

آیت اله هاشمی شاهرودی ابعاد کامل و جامعی از موضوع را تبیین می‌نماید.^۲ از نظر ایشان روایاتی وجود دارد که مطلق مال را مشمول زکات می‌دانند. به عبارتی در پاره‌ای از آن‌ها عناوین دیگری آمده که آن عناوین مطلق است و شامل هر نوع ثمن و پولی می‌شود. در برخی از روایات عنوان مال مطلق و بلا قید آمده و یا المال الصامت آمده است که مقصود همین مال محض و اثمان است و در بعضی روایات دیگر عنوان ثمن موضوع قرار گرفته است که در ادامه برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم. اولین روایت مربوط به صحیح‌ه محمد بن مسلم است که از ابی جعفر(ع) نقل می‌کند: «انه سئل عن الخضر فیها زکاة و ان بیعت بالمال العظیم؟ قال لاحتی یحول علیه الحول» (حرعاملی، ۱۳۸۷ق.، ج ۹، ص ۶۶). در اینجا امام(ع) نفرموده است «اذا کان درهماً او دیناراً» بلکه در کلام سائل عنوان «ان بیعت بالمال العظیم» آمده است که مراد از مال عظیم به قرینیت (بیعت) همان ثمن و پول است. بنابراین در این روایات عناوینی آمده است که مطلق هستند و شامل هر نوع پولی می‌شوند.

در اینجا دسته دیگری از روایات موجود است که آن‌ها هم اطلاق دارند و هم ناظر به اصل تشریح زکات هستند و آن روایاتی است که ناظر به کفایت سهم فقرا از زکات است و گفته است که «جعل الله عزوجل الزکاة خمس و عشرون من کل الف من اموال الاغنیاء للفقراء» یعنی یک چهلم از اموال اغنیاء سهم زکات است و این ناظر به زکات نقدین و مال التجاره است که آن هم در حقیقت نوعی توسعه در زکات مطلق است زیرا که تنها این موضوع زکاتش ۱ به ۴۰ است نه انعام و غلات. تعداد این روایات نیز کم نیست.

به این دسته از روایات هم می‌توان استدلال که که مطلق مال و اثمان موضوع زکات نقدین است نه خصوص پولی که از طلا و نقره باشد زیرا که نظر در این روایات به همان مال محض و مطلق اغنیاء است که دست همه است. لذا امام(ع) فرموده «ما جعله فی اموال الاغنیاء» که اینجا ذهن عرفی سریعاً می‌فهمد که مقصود همان مال و ثروت محض است یعنی پول و آنچه که ملحق به آن است مثل مال التجاره آن وقت در این مناسبت می‌فرماید که خداوند متعال یک چهلم آن را از برای فقرا قرار داده است و این از برای فقرا کافی است و اگر کافی نبود بیشتر قرار می‌داد و این لسان تناسب با

این دارد که موضوع ثروت و مال محض باشد نه جنس خاص از پول و ثروت که محدود به برخی زمانها است مانند پولهای نقره‌ای و طلائی.

۴-۲. آراء فقهای اهل سنت در زکات نقدین

فقهای اهل سنت توجه زیادی به زکات نقدین نموده و عمده معاصرین آنها وجوب زکات در نقدین و به واسطه آن اوراق مالی را قائل شده‌اند. جزیری معتقد است: «جمهور فقها بر این اعتقادند که زکات در اوراق مالی واجب است، چرا که این اوراق در معاملات به منزله طلا و نقره هستند و بدون زحمت می‌توان آنها را به نقره تبدیل کرد. پس معقول نیست که ثروتی از اوراق مالی نزد مردم باشد و بتوانند زکات از آن را به نقره تبدیل کنند ولی زکات آن را نپردازند. بنابراین فقهای مذاهب حنفی، شافعی و مالکی اجماع بر وجوب زکات در آنها کرده‌اند» (جزیری، ۱۳۰۶ق.، ج ۱).

در نظر حنفی‌ها «اوراق مالی از قبیل دین قوی هستند، الا اینکه قابلیت تبدیل سریع به نقره را دارند، لذا زکات آنها سریعاً واجب می‌شود». در نظر مالکی‌ها، «اوراق بهادار اگرچه اسناد دین هستند، الا اینکه بلافاصله می‌توان آنها را به نقره تبدیل کرد و در معامله می‌توانند قائم مقام طلا شوند، زکات در آنها با حفظ شرایط واجب است». «حکم سکه (فلوس) حکم کالای تجاری است. اگر یک سال از تملک کسی نسبت به فلوس که قیمت آن دوپست درهم بود سپری شود، زکات واجب نیست مگر آنکه سکه‌ها رایج باشد. در این صورت آنها را همانند کالاهای تجاری قیمت گذاری قیمت گذاری کند. قول مشهور مالکیه اخراج زکات آنها از جنس خودشان مجاز است و قول غیر مشهور مالکیه این است که واجب نیست چرا که فلوس جزء کالاهای تجاری هستند و در خصوص کالاهای تجاری، واجب است زکات آنها با پرداخت قیمت آنها از جنس درهم نقره یا دینار طلا». فقهای مذهب شافعی معتقدند «معامله با اسکناس همانند حواله بر بانک به قیمت آن است، پس معادل قیمتش دین بر بانک را مالک می‌شود بانک بدهکار و آماده برای پرداخت است و وقتی که بدهکار با این اوصاف باشد، زکات دین در حال حاضر واجب است و نبود ایجاب و قبول لفظی در حواله هنگامی که عرف بر آن صحه گذارد، موجب بطلان زکات نمی‌شود تا جایی که برخی از

شافعیه گفته‌اند، مراد از ایجاب و قبول کل آن چیزی است که دال بر رضا باشد، حال فرقی نمی‌کند قول باشد یا فعل و رضایت در اینجا محقق است». زکات اوراق بهادار واجب نیست مگر آنکه به طلا و نقره تبدیل شود که در آن صورت بر حسب شرایط نقدین مشمول زکات می‌شود. حنابله نیز اعتقاد دارند «در مورد سکه اگر سکه‌ها برای نفقه باشند، زکات در آن‌ها نیست مانند کالاهای قنیه و اگر برای تجارت باشند مانند سکه‌هایی که در نزد صراف است زکات قیمت آن‌ها مانند سایر کالاهای تجاری پرداخت می‌شود و در غیر اینصورت پرداخت زکات از جنس خودشان کفایت نمی‌کند بلکه باید مانند عروض از جنس طلا و نقره خارج شود (جزیری، ۱۳۰۶ق، ج ۱).

مطابق آنچه بیان گردید علیرغم اینکه نظریه مشهور در بین فقهای شیعه دلالت بر آن دارد که پول‌های رایج امروزی مشمول زکات نمی‌شود، فقهای زیادی بر خلاف نظر مشهور اعتقاد دارند که پول نیز مشمول زکات است. از طرفی آراء علمای اهل سنت را مشاهده کردیم که همگی اعتقاد دارند زکات بر پول واجب است. هر چند رای مشهور در شیعه دلالت بر عدم تعلق زکات به نقدین دارد، اما نظرات مخالف نظرات مشهور، بسیار قابل تأمل است.

۵. محاسبه ظرفیت بالقوه زکات بالقوه پول در اقتصاد ایران

با توجه به آنچه که تاکنون مطرح شده است، نوبت به آن می‌رسد که به محاسبه ظرفیت بالقوه زکات پول در اقتصاد ایران پرداخته و میزان تأثیرگذاری آن بر رفع فقر را بیازماییم. به عبارتی مسئله اصلی در اینجا این است که اگر فرض نماییم زکات بر پول واجب باشد، و همه افراد در جامعه زکات پول خویش را بپردازند، مبلغ به دست آمده از آن چقدر خواهد بود؟ بر اساس فتوای فقها زمانی به نقدین زکات تعلق می‌گیرد که به نصاب شرعی برسد. بر همین اساس در قسمت اول از این بخش به بیان نصاب نقدین پرداخته و قاعده‌ای برای تعیین پول استخراج می‌کنیم.

۱-۵. تعیین نصاب

در مورد طلا گفته شده است که ۲ نصاب وجود دارد: نصاب اول، چنانچه مقدار طلا به ۲۰ مثقال شرعی برسد (معادل ۱۵ مثقال معمولی) که وزن هر مثقال برابر با ۱۸ نخود است، انسان باید با وجود شرایط دیگر یک چهلم از آن را به عنوان زکات پرداخت نماید. نصاب دوم، چهار مثقال شرعی است که معادل ۳ مثقال معمولی است و به محض اتمام هر چهار مثقال شرعی زکات یک چهلم واجب می‌شود و در کمتر از آن زکات نیست.

در روایات و فتاوی فقهای، از پول طلا و نقره به «دینار» و «درهم» نام برده شده است. دینار از نظر وزن، برابر یک مثقال شرعی و سه چهارم مثقال زرگری است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۲). درهم، مسکوک نقره را گویند. هر درهم ۱۲ نخود و سه پنجم نخود است. درهم شش دانقی را درهم شرعی، درهم اسلامی و درهم مشهور گفته‌اند. حساب درهم شرعی به خردل، ۷۲ حبه است.

هر مثقال معمولی $\frac{4}{68}$ گرم است اما مثقال شرعی بر اساس نخود حساب می‌شود که هر مثقال ۱۸ نخود است و تا حدودی از مثقال معمولی سبک‌تر است بطوریکه هر ۴ مثقال شرعی ۳ مثقال معمولی و هر ۲۰ مثقال شرعی، ۱۵ مثقال معمولی است. لذا مثقال شرعی برابر با $\frac{3}{51}$ گرم خواهد بود. لذا باید مقدار طلا به $\frac{70}{2}$ گرم برسد تا مشمول زکات شود. با توجه به آمار موجود در زمینه قیمت طلا در سال‌های مورد مطالعه (جدول ۲)، می‌توانیم نصاب ریالی زکات پول را مشخص نماییم. طبق نظر فقهایی که مطلق پول بودن را ملاک نقدین دانسته‌اند یک چهلم از مال را باید به عنوان زکات پرداخت نمود. بر این اساس جدول زکات نقدین در جدول ۳ طراحی شده است:

جدول ۲. متوسط قیمت طلا در سال‌های مورد مطالعه

سال	متوسط قیمت هر گرم طلا	قیمت $\frac{70}{2}$ گرم طلا ۲۰ مثقال شرعی طلا	قیمت ۴ مثقال شرعی از طلا
۸۷	۲۰۰۰۰	۱۴۰۴۰۰۰	۲۸۰۸۰۰
۸۸	۲۷۴۶۱	۱۹۲۷۷۶۲	۳۸۵۵۵۲
۸۹	۳۳۰۶۰	۲۳۲۰۸۱۲	۴۶۴۱۶۲

جدول ۳. زکات نقدین بر اساس نصاب (قیمت‌ها به تومان)

سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
نصاب اول	۱۴۰۴۰۰۰	۱۹۲۷۷۶۲	۲۳۲۰۸۱۲
نصاب دوم	۱۶۸۴۸۰۰	۲۳۱۳۳۱۴	۲۷۸۴۹۷۴
نصاب سوم	۱۹۶۵۶۰۰	۲۶۹۸۸۶۶	۳۲۴۹۱۳۶
نصاب چهارم	۲۲۴۶۴۰۰	۳۰۸۴۴۱۸	۳۷۱۳۲۹۸

مأخذ: محاسبات نگارنده

به عنوان مثال می‌توان جدول زکات در سال ۱۳۸۹ را به صورت زیر نوشت: اگر M مقدار حجم پولی باشد که مشمول زکات است.

جدول ۴. افراد مشمول پرداخت زکات بر اساس نصاب و میزان پرداخت آن

سطح نگه داری پول	درصد زکات	میزان زکات
$M < \square\square\square\square\square\square$	۰	۰
$\square\square\square\square\square\square < M$ < $\square\square\square\square\square\square$	$۲۳۲۰۸۱۲ \times ۲/۵\%$	۵۸۰۲۰
$\square\square\square\square\square\square < M < \square\square\square\square\square\square$	$۳۷۱۳۲۹۸ \times ۲/۵\%$	۹۲۸۳۲

مأخذ: محاسبات نگارنده

۲-۵. محاسبه زکات پول بر مبنای سپرده‌های بانکی

با تعیین نصاب زکات، آنگاه این سؤال پیش می‌آید که چه کسانی مشمول پرداخت زکات می‌شوند و چه کسانی مشمول پرداخت زکات نمی‌شوند؟ سؤال دیگری که اینجا پیش می‌آید این است که از چه راهی می‌توان زکات را محاسبه کرد؟ ابتداً باید این نکته را متذکر شویم که در محاسبه زکات پول فرض می‌شود که زکات فقط به افراد بخش خصوصی تعلق می‌گیرد و بخش دولتی از موضوع زکات خارج هستند که البته این موضوع نیز در نوع خود جای بحث و بررسی دارد.

برای محاسبه زکات پول از آمار سپرده‌های بانکی استفاده می‌کنیم و فرض داریم که پول مردم به صورت سپرده بانکی در نزد بانک‌ها قرار دارد. با در اختیار داشتن مانده

سپرده بانکی بخش خصوصی و با این فرض که میزان پولی که هر یک از افراد نگه می‌داند متناسب با درآمد آن‌هاست، از آمار توزیع درآمدی بر اساس دهک‌های مختلف استفاده کرده و سپرده بانکی بخش خصوصی را در قابل دهک‌های ده‌گانه نشان می‌دهیم. با مشخص شدن میزان سپرده هر دهک و در اختیار داشتن نصاب زکات، دهک‌هایی را که مشمول زکات شده‌اند تعیین کرده و بر اساس نصاب پرداخت زکات، میزان پرداختی آن‌ها را محاسبه می‌نماییم. با استفاده از این روش میزان زکات بالقوه پول‌ها مشخص می‌شود.

۵-۲-۱. سناریوی اول، محاسبه بر مبنای سپرده بانکی

آماری که برای مقدار پول موجود در نظر گرفته می‌شود مانده سپرده‌های بخش خصوصی در بانک‌ها است که مقادیر آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۵. مانده سپرده بخش خصوصی

۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	میلیارد ریال
۲۵۳۰۵۶۹	۲۰۳۰۳۶۶	۱۵۸۷۰۲۴	مانده سپرده بخش خصوصی

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طوری که گفتیم فرض می‌کنیم این مانده سپرده بخش خصوصی بین دهک‌های مختلف درآمدی به نسبت درآمدها توزیع شده است (جدول ۶). علت این کار این است که می‌خواهیم میزان زکات را بر اساس نصاب‌های آن به دست آوریم. برای محاسبه زکات باید به اینصورت عمل شود: دهک اول درآمدی در سال ۱۳۸۷ مبلغ پولی ۱۸۸۰۷۷۷ در کل سال برایشان باقی مانده است. نصاب اول زکات ۱۴۰۴۰۰۰ تومان بوده است و لذا این خانواده‌ها مشمول پرداخت زکات شده‌اند. به همین صورت نصاب دوم ۱۶۸۴۸۰۰ تومان و نصاب سوم ۱۹۶۵۶۰۰ تومان است. از آنجا که دهک اول درآمدی بین نصاب ۲ و ۳ قرار دارند، لذا یک چهارم از نصاب ۲ به عنوان زکات آن‌ها محسوب می‌شود. به همین صورت برای تمام دهک‌های درآمدی در سال‌های مختلف محاسبات صورت می‌گیرد که نتایج آن در جدول ۷ می‌آید:

جدول ۶. حساب بانکی هر خانوار در بانک بر اساس دهک‌های درآمدی (تومان)

سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
دهک اول	۱۸۸۰۷۷۷	۲۲۴۳۵۵۸	۲۷۹۴۲۵۳
دهک دوم	۳۱۰۴۲۱۰	۳۷۳۵۱۶۴	۴۶۰۷۸۸۳
دهک سوم	۴۰۶۶۲۷۶	۴۸۴۹۸۳۵	۶۰۳۵۳۵۳
دهک چهارم	۵۰۰۹۷۸۷	۵۹۴۷۱۳۴	۷۴۲۸۵۷۹
دهک پنجم	۶۰۴۳۰۷۰	۷۱۸۷۹۹۸	۸۹۹۸۱۰۳
دهک ششم	۷۲۲۷۹۵۰	۸۷۲۳۹۹۲	۱۰۸۳۳۹۰۹
دهک هفتم	۸۶۹۶۶۸۹	۱۰۵۲۸۰۲۳	۱۳۰۱۷۷۵۶
دهک هشتم	۱۰۷۰۷۴۳۶	۱۳۰۸۴۴۶۰	۱۵۹۶۴۶۸۸
دهک نهم	۱۴۰۷۸۰۴۰	۱۷۱۱۸۰۰۰	۲۰۸۳۸۱۶۹
دهک دهم	۲۵۱۰۳۱۰۱	۳۱۴۴۳۳۸۹	۳۶۰۰۹۶۳۳

مأخذ: محاسبات نگارنده

جدول ۷. محاسبه زکات پول هر خانوار بر اساس دهک‌های درآمدی (تومان)

سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
دهک اول	۴۲۱۲۰	۴۸۱۹۴	۶۹۶۲۴
دهک دوم	۷۷۲۲۰	۸۶۷۴۹	۱۰۴۴۳۶
دهک سوم	۹۸۲۸۰	۱۱۵۶۶۵	۱۵۰۸۵۲
دهک چهارم	۱۱۹۳۴۰	۱۴۴۵۸۲	۱۸۵۶۶۴
دهک پنجم	۱۴۷۴۲۰	۱۷۳۴۹۸	۲۲۰۴۷۶
دهک ششم	۱۷۵۵۰۰	۲۱۲۰۵۳	۲۶۶۸۹۲
دهک هفتم	۲۱۷۶۲۰	۲۶۰۲۴۷	۳۲۴۹۱۲
دهک هشتم	۲۶۶۷۶۰	۳۱۸۰۸۰	۳۹۴۵۳۶
دهک نهم	۳۵۱۰۰۰	۴۲۴۱۰۷	۵۱۰۵۷۶
دهک دهم	۶۲۴۷۸۰	۷۸۰۷۴۲	۸۹۳۵۰۸

مأخذ: محاسبات نگارنده

با توجه به آمار خانوارهای کل کشور و ضرب آن در دهک‌های درآمدی، مجموع زکات پرداختی کل کشور را می‌توان به صورت زیر نوشت:

جدول ۸. محاسبه زکات پول بر اساس دهک‌های درآمدی (میلیارد تومان)

سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
دهک اول	۷۸	۹۳	۱۳۹
دهک دوم	۱۴۳	۱۶۸	۲۰۹
دهک سوم	۱۸۲	۲۲۴	۳۰۲
دهک چهارم	۲۲۰	۲۸۰	۳۷۱
دهک پنجم	۲۷۲	۳۳۶	۴۴۱
دهک ششم	۳۲۴	۴۱۱	۵۳۴
دهک هفتم	۴۰۲	۵۰۴	۶۵۰
دهک هشتم	۴۹۲	۶۱۶	۷۸۹
دهک نهم	۶۴۸	۸۲۱	۱۰۲۱
دهک دهم	۱۱۵۴	۱۵۱۲	۱۷۸۷
مجموع دهک‌ها	۳۹۱۶	۴۹۶۴	۶۲۴۳

مأخذ: محاسبات نگارنده

محاسبات صورت گرفته نشان می‌دهد که مقدار زکات بسیار قابل توجه است و طبیعتاً می‌تواند تاثیر بسیار زیادی در رفع فقر داشته باشد.

۵-۲-۲. سناریوی دوم، محاسبه بر مبنای پول نقد یا اسکناس

بر اساس سناریوی دوم مقدار پولی که به صورت اسکناس در اختیار مردم است و ممکن است مردم آن پول را به صورت نقدی و خارج از حساب‌های بانکی نگه دارند، می‌تواند مشمول زکات باشند. با در نظر گرفتن چنین شرایطی میزان زکات پول بسیار ناچیز خواهد بود.

جدول ۹. میزان اسکناس

سال	اسکناس منتشر شده	اسکناس نزد بانکها	اسکناس در اختیار مردم
۱۳۸۷	۲۰۷۳۴۶	۴۸۵۸۸	۱۵۸۷۵۸
۱۳۸۸	۲۳۸۴۰۳	۳۸۷۳۹	۱۹۹۶۶۴
۱۳۸۹	۳۳۱۳۸۷	۶۱۴۴۲	۲۶۹۹۴۵

مأخذ: بانک مرکزی ایران، نماگرهای اقتصادی، ش ۶۳، زمستان ۱۳۹۰
با فرض اینکه این مقدار پول بر اساس دهک درآمدی بین مردم توزیع شده باشد:

جدول ۱۰. توزیع پول (اسکناس و سکه) در دسترس مردم به نسبت دهکهای درآمدی (ارقام به تومان)

دهک / سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
دهک اول	۱۸۸۱۴۴	۲۲۰۶۲۹	۲۹۸۰۷۳
دهک دوم	۳۱۰۵۳۰	۳۶۷۳۱۲	۴۹۱۵۴۰
دهک سوم	۴۰۶۷۷۰	۴۷۶۹۲۸	۶۴۳۸۱۳
دهک چهارم	۵۰۱۱۵۴	۵۸۴۸۳۵	۷۹۲۴۳۴
دهک پنجم	۶۰۴۵۱۹	۷۰۶۸۶۰	۹۵۹۸۶۰
دهک ششم	۷۲۳۰۴۸	۸۵۸۲۴۲	۱۱۵۵۶۹۳
دهک هفتم	۸۶۹۹۷۴	۱۰۳۵۳۱۴	۱۳۸۱۶۵۱
دهک هشتم	۱۰۷۱۱۱۹	۱۲۸۶۷۱۲	۱۷۰۳۰۱۱
دهک نهم	۱۴۰۸۲۹۷	۱۶۱۳۳۶۶	۲۲۲۲۸۱۳
دهک دهم	۲۵۱۱۱۹۰	۳۰۹۲۱۰۹	۳۸۴۱۲۷۹

مأخذ: محاسبات نگارنده

با توجه به اینکه نصاب اول نقدین در سال ۱۳۸۷ برابر با ۱۴۰۴۰۰۰ تومان بوده، تنها دهکهای نهم و دهم هستند که بر اساس سناریوی دوم مشمول زکات پول می‌شوند. به همین صورت نصاب زکات در سال ۱۳۸۸ برابر با ۱۹۲۷۷۶۲ تومان است که تنها دهک دهم مشمول چنین زکاتی می‌شود و در سال ۱۳۸۹ برابر با ۲۳۲۰۸۱۲ تومان بوده است که باز هم فقط دهک دهم است که مشمول زکات می‌شود. با فرض

اینکه این مقدار پول در اختیار شخص باشد و شخص در طول سال این مقدار را مالک باشد و در طول سال این مقدار از نصاب نیفتد، مقدار زکات پول در بیشترین مقدار ممکن را می‌توان طبق جدول ۱۱ محاسبه کرد.

سناریوی دوم حاکی از آن است که بر اساس پول نقد مقدار زکات بسیار ناچیز خواهد بود. حال می‌توانیم میزان تأثیرگذاری هر یک از این دو مقدار زکات در رفع فقر را مورد بررسی قرار داد.

جدول ۱۱. ظرفیت بالقوه زکات پول در ایران (ارقام به میلیارد تومان)

دهک / سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
دهک اول تا هشتم	۰	۰	۰
دهک نهم	۰	۰	۶۵
دهک دهم	۱۱۶	۱۴۹	۱۰۴
مجموع	۱۱۶	۱۴۹	۱۶۹

۵-۲-۳. میزان تأثیر زکات پول در رفع فقر بر اساس سناریوی اول و دوم

تا کنون بر اساس دو سناریو ظرفیت بالقوه زکات پول را محاسبه کرده‌ایم. حال نوبت به آن می‌رسد که میزان تأثیرگذاری مقادیر محاسبه شده را بر رفع فقر مورد بررسی قرار دهیم. حال سؤال اساسی در این باره این است که برای محاسبه خط فقر از چه معیاری استفاده نماییم؟ از آنجا که زکات نوعی ابزار اسلامی برای رفع فقر است، معیار رفع فقر نیز باید بر اساس اصول اقتصاد اسلامی به دست آمده باشد. به همین دلیل معیارهای رفع فقر بر اساس اقتصاد اسلامی را بیان خواهیم کرد. این معیارهای عبارتند از (شعبانی و کاشیان، ۱۳۸۹): باید به فقیر آنقدر داده شود تا مهم‌ترین نیازهای زندگی او بر طرف شود؛ تعیین نیازهای اساسی هر فرد بنا به مقتضیات زمان تعیین خواهد شد؛ و باید به فقیر آنقدر داده شود تا به سطح متوسط جامعه برسد.

بر این اساس و با تکیه بر مهم‌ترین نیازهای افراد به محاسبه منابع لازم برای رفع فقر خواهیم پرداخت. در این روش فرض بر آن است که مهم‌ترین نیازهای افراد عبارتند از خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث خانه، بهداشت، حمل و نقل، ارتباطات،

تفریح و فرهنگی و تحصیل. بر اساس معیارهای فوق باید دید آیا زکات بالقوه پول این قابلیت را دارد که سطح زندگی دهک‌های پایین را به سطح زندگی دهک‌های متوسط جامعه برساند یا خیر.

جدول ۱۲. میزان مخارج مصرفی خانوارهای دهک‌های درآمدی شهری به نسبت کالاهای ضروری (هزار تومان)

دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم	دهک یازدهم
خوراکی	۸۹۱	۱۵۰۳	۱۹۶۴	۲۴۸۳	۲۸۸۰	۳۳۶۵	۳۹۵۰	۴۶۱۲	۵۶۶۶	۷۸۹۴
پوشاک	۶۹	۱۶۷	۲۵۵	۳۴۳	۵۰۳	۵۸۱	۷۳۷	۹۴۴	۱۲۶۸	۲۰۵۸
مسکن	۱۴۳۹	۲۰۷۷	۲۵۶۲	۲۹۲۶	۳۳۹۹	۳۳۹۹	۳۸۱۸	۴۴۰۵	۶۴۰۵	۱۰۸۰۵
اثاث خانه	۹۰	۱۸۸	۲۷۳	۳۳۳	۴۶۰	۵۴۵	۷۴۴	۱۰۱۵	۱۲۷۴	۲۴۵۶
بهداشت	۱۶۴	۲۷۳	۳۳۲	۴۲۴	۴۹۵	۵۵۹	۷۴۸	۱۰۹۹	۱۳۰۱	۲۴۶۷
حمل و نقل	۱۱۵	۲۲۴	۳۱۶	۴۱۱	۵۹۲	۹۱۸	۱۲۱۰	۱۹۱۰	۳۰۴۵	۷۲۶۹
ارتباطات	۸۵	۱۵۴	۲۰۱	۲۳۴	۲۵۸	۳۳۵	۳۶۴	۴۱۴	۴۷۳	۶۸۱
تفریح و فرهنگی	۳۴	۷۷	۱۲۶	۱۷۲	۲۴۱	۳۱۹	۳۶۶	۵۵۴	۷۱۸	۱۳۴۰
تحصیل	۱۸	۶۲	۱۱۶	۱۶۹	۲۰۴	۳۱۹	۳۸۵	۴۹۹	۶۸۷	۱۰۱۲

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹

با توجه به آمار فوق و معیارهای رفع فقر و نیز محاسبات مربوط به ظرفیت بالقوه زکات، جدول ۱۳ زیر میزان تأثیرگذاری زکات در رفع فقر را نشان می‌دهد. محاسبات نشان می‌دهد که زکات پول با فرض سپرده‌های بانکی این قابلیت را دارد که سطح زندگی دهک اول و دوم جامعه را به ترتیب به سطح زندگی دهک دوم و سوم جامعه برساند. لذا می‌بینیم که بر اساس این سناریو قابلیت زکات پول می‌تواند بسیار بالا باشد. زمانی که این مقدار زکات به سایر درآمدهای زکات به معنای عام شامل خمس، زکات انعام ثلاثه و غلات اربعه و نیز زکات فطره می‌شود، توانایی آن بسیار بالا می‌رود و می‌توان منبع درآمدی بسیار خوبی برای دولت باشد (کاشیان، ۱۳۸۹).

جدول ۱. سناریوهای مختلف جهت رفع فقر

زکات بالقوه پول وجه نقد و اسکناس	زکات بالقوه پول سپرده‌های بانکی	منابع لازم	سناریوهای مختلف
۱۶۹	۶۲۴۳	۳۰۱۶۱	سناریوی اول: به دهک‌های اول تا چهارم آنقدر پرداخت شود تا سطح زندگی شان در نیازهای اساسی به سطح دهک پنجم برسد
		۱۷۶۸۱	سناریوی دوم: به دهک‌های اول تا سوم آنقدر پرداخت شود تا سطح زندگی شان در نیازهای اساسی به سطح دهک چهارم برسد
		۹۵۹۸	سناریوی سوم: به دهک‌های اول و دوم آنقدر پرداخت شود تا سطح زندگی شان در نیازهای اساسی به سطح دهک سوم برسد
		۶۵۷۷	سناریوی چهارم: به دهک اول و دوم آنقدر پرداخت شود تا سطح زندگی شان در نیازهای اساسی به سطح دهک دوم و سوم برسد

جمع بندی و نتیجه گیری

در پاسخ به تشکیک در کارایی زکات (با فرض انحصار در موارد نه‌گانه)، فرضیه‌های متفاوتی قابل تصور است که هر یک به نوعی به دنبال اثبات کارایی زکات و موثر بودن آن هستند. برخی از مهم‌ترین این فرضیه‌ها عبارتند از:

۱. زکات در موارد نه‌گانه برای رفع فقر کفایت نمی‌کند و لذا باید سراغ نظریه‌های غیر مشهور فقهای شیعه رفت و دایره مواردی که زکات بر آنها تعلق می‌گیرد را گسترش داد و بعد بسندگی آنها را برای رفع فقر آزمود.
۲. زکات منحصر در موارد نه‌گانه (انعام ثلاثه، غلات اربعه و نقدین) است و نیز مراد معنای خاص آن است، اما آنچه که از نقدین در کلام اهل بیت و به دنبال آن فقها آمده است شامل پول‌های رایج نیز می‌شود.
۳. زکات به معنای خاص در موارد نه‌گانه انحصار دارد و به معنای عام برای رفع فقر که همان هدف اصلی وضع زکات است کفایت می‌کند. زکات به معنای خاص در موارد نه‌گانه انحصار دارد و به معنای عام برای رفع فقر که همان هدف اصلی وضع زکات است کفایت می‌کند.

موضوع این نوشتار پرداختن به فرضیه دوم بود. بر خلاف فرضیه اول که مخالف نظریه مشهور در فقه شیعه است، فرضیه دوم به نظریه مشهور نزدیکتر است. چرا که زکات را در موارد نه‌گانه منحصر می‌داند، ولی قائل به آن است که منظور از نقدین در کلام فقها، شامل پول‌های رایج نیز می‌شود. با در نظر گرفتن این فرض نشان دادیم که زکات بالقوه پول قابلیت زیادی برای رفع فقر دارد و می‌تواند سطح زندگی دهک‌های اول و دوم در نیازهای اساسی را به ترتیب به سطح زندگی دهک‌های دوم و سوم برساند.

البته باید به این نکته نیز توجه کرد در اینجا سایر درآمد‌های زکات مانند زکات غلات اربعه و انعام ثلاثه را در نظر نگرفته‌ایم. همان‌طور که قبلاً هم بیان گردید، طبق محاسبات مقادیر زکات بالقوه انعام ثلاثه و غلات اربعه بسیار ناچیز است و خیلی نمی‌توان از آن‌ها جهت فقر زدایی استفاده کرد. لذا زکات پول مبتنی بر سپرده‌های بانکی توانایی زیادی برای رفع فقر دارد و درآمد بالقوه زکات را به شدت افزایش می‌دهد. اما در مورد زکات پول مبتنی بر اسکناس و وجه نقد باید اشاره شود که مبلغ قابل توجهی نیست و نمی‌توان از آن در جهت اهدافی که برای رفع فقر در نظر گرفته شده است استفاده کرد و محاسبات تحقیق این موضوع را تایید می‌کند. نکته دیگری که لازم است در اینجا بیان شود این است که فرض دوم و سوم قابل جمع هستند، به این معنا که این امکان وجود دارد که معنای زکات را عام بدانیم و آن را شامل خمس نیز بدانیم. ضمن اینکه هم زمان نقدین را مشمول پول‌های رایج نیز بدانیم. در این صورت مقدار زکات بسیار زیاد خواهد شد.

کتابنامه

قرآن کریم

اسماعیل پور دره، مهدی (۱۳۸۷)، «الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

الجزیری، عبدالرحمن (۱۳۰۶ق.)، کتاب الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۱، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷ق.)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۹، تهران: مکتبه الاسلامیه.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۵ق.)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

الزحیلی، وهب بن مصطفى (۲۰۱۱م.)، الفقه الاسلامی وادکته، دمشق: دار الفکر، ج ۲. شعبانی، احمد و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹)، «اثر بازتوزیع زکات بر رفع فقر و کاهش ضریب جینی ایران»، قم: همایش همگرایی مالیات‌های اسلامی و متعارف.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی (۱۴۱۳ق.)، من لایحضره الفقیه، تحقیق: محمد جواد فقیه، ج ۲، بیروت: دار الاضواء.

طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۴۱۷ق.)، تهذیب الاحکام (فی شرح المقنعة)، تحقیق: علی اکبر غفاری، ج ۴، تهران: مکتبه الصدوق.

عسکری، محمد مهدی (۱۳۸۴)، تحلیل نظری زکات، تهران: دانشگاه امام صادق(ع). قائنی، محمد (۱۳۸۴)، زکات پول‌های رایج و اشیای نوپیدا، ترجمه محمد قناد معتمدی، تهران: بی‌نا.

کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹)، «آزمون بسندگی زکات و خمس در تامین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

کلینی الرازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۷۷ق.)، الفروع من الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

لاجوردی، سیدعدنان، «نقش زکات در نظام اقتصادی اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

مغویه، محمدجواد (۱۴۰۴ق.)، فقه الإمام جعفر الصادق، عرض و استدلال، ج ۲، بیروت: مکتبه دارالعلم للملایین.

منتظری، حسینعلی (۱۴۰۴ق.)، کتاب الزکاة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

النجفی، الشیخ محمد حسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق شیخ عباس قوچانی، ج ۱۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۰)، رساله توضیح المسائل، قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت(ع).